

The Deadlock of moral skepticism on the basis of Empirical Evidence

Ramezan Mahdavi Azadboni ¹

1. Associate Professor of University of Mazandaran

DOI:10.22034/nrr.2025.65904.1435	
URL: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_19454.html	
Corresponding Author: Ramezan Mahdavi Azadboni	ABSTRACT Although ethical issues were the concern of philosophers since the time of Plato, in spite of this, since the new era, philosophical researches about ethics have paid more attention, and in the current era, the emergence of communication technology and the spread of information about differences, including differences of morality among societies caused the reappearance of moral skepticism. In fact, with the development of communication tools, mankind obtained important empirical evidence that indicated the difference of different societies in the field of moral values. A group of philosophers tried to defend moral skepticism by relying on empirical evidence. The problem that was discussed in the present research is whether empirical evidence logically leads to moral skepticism. The present study, with a descriptive-analytical method and with a critical approach, tried to display that the argument based on empirical evidence in defense of moral skepticism suffers from logical defects, and the conclusion revealed that the descriptive relativism cannot logically lead to moral skepticism.
Email: r.mahdavi@umz.ac.ir	
Received: 2025/02/16	
Detected: 2025/03/01	
Accepted: 2025/03/07	
Available: 2025/03/21	
Open Access 	
Keywords: moral skepticism, empirical evidences, value, custom	



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



فصلنامه دین پژوهی و کارآمدی



بن بست شکایت اخلاقی در ترازوی قرآن تجربی

رمضان مهدوی آزادبنی^۱

۱. دانشیار دانشگاه مازندران.

DOI:10.22034/nrr.2025.65904.1435

URI: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_19454.html

چکیده

از عصر جدید پژوهش های فلسفی درباره اخلاق بیشتر مورد توجه فیلسوفان قرار گرفته است و در دوره کنونی نیز گسترش اطلاعات در مورد تفاوت ها از جمله تفاوت های اخلاقی میان جوامع، سبب ظهور مجدد شکایت اخلاقی گردید. در واقع با گسترش ابزار ارتباطی، شواهد تجربی مهمی که از تفاوت جوامع مختلف در حوزه ارزش های اخلاقی حکایت داشت بدست آمد. گروهی از فیلسوفان با تکیه بر شواهد تجربی بدست آمده تلاش نمودند تا از شکایت اخلاقی دفاع نمایند. مساله ای که در پژوهش حاضر بدان پرداخته شد بررسی این مساله است که آیا شواهد تجربی منطقی به شکایت اخلاقی منجر می شود؟ پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد انتقادی تلاش نمود تا نشان دهد که استدلال مبتنی بر شواهد تجربی در دفاع از شکایت اخلاقی از ضعف و نقص منطقی رنج می برد و بر این نتیجه تاکید نمود که نسبت گروهی توصیفی منطقی نمی تواند به شکایت اخلاقی منجر گردد.

نویسنده مسئول:

رمضان مهدوی آزادبنی

ایمیل:

r.mahdavi@umz.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱



دسترسی آزاد

کلیدواژه ها:

شکایت اخلاقی، شواهد تجربی، ارزش، رسوم

بحث درباره ارزش های اخلاقی همواره از حوزه های بسیار مهم در مباحث فلسفی بود و از یونان باستان از اهمیت قابل توجه ایی بویژه نزد سقراط داشته است. شاگرد او افلاطون نیز با طرح نظریه اخلاقی در پیروی از استاد خود اهمیت بحث درباره اخلاق را در آثار خود به روشنی نشان داده است. بحث درباره ارزش های اخلاقی در عصر جدید نیز نزد فیلسوفان و متفکران بزرگ مانند کانت (Kant, 2002) هیوم (Hume) ادامه داشت. در این دوره هیوم با طرح نظریه عدم امکان استنتاج باید از هست چالش مهمی را مطرح نمود و متفکران در این رابطه مباحث متنوعی را ارائه نمودند. همچنین در همین دوره داروین با طرح نظریه تکامل (evolution) انواع سبب ظهور چالش های مهمی برای دین و اخلاق گردید و پژوهشگران در این رابطه تلاش نمودند تا نشان دهند آیا نظریه تکامل چالشی برای دین و باورهای دینی باشد. برخی از منظر دینی از این نظریه دفاع نمودند (سحابی، ۱۳۷۵، ص ۱۰۵) و برخی بجد آن را مورد نقد قرار داده اند. (Mahdavi 2021, 18) Azadboni, نکته ای که باید بدان توجه داشت تاثیر و نفوذ این نظریه بر منتقدان دین و اخلاق است. بسیاری سعی کردند که با تکیه بر نظریه تکامل انواع داروین و حتی با نقل قول هایی از آثار او مبانی اخلاق را به چالش بکشند (Provine, 1988, 28) و بسیاری از منتقدان نظریه تکامل انواع داروین سعی کردند مبانی این نظریه را با تکیه بر اخلاق به چالش بکشند. (مهدوی آزادبنی، ۱۳۹۰، ص ۸۷) چالش ها بر ضد اخلاق گاهی بوسیله منتقدان دین مطرح می گردد و و این ایده سنتی که اخلاق را بر دین مبتنی می داند از طریق نقد دین به نفی اخلاق منجر شود هر چند متفکران زیادی در چنین فضایی تلاش نمودند تا از طریق نشان دادن ریشه های استقلالی اخلاق، جایگاه اخلاق را در زندگی انسان نشان دهند. (مهدوی آزادبنی، ۱۴۰۲، ۷۳۶) هر چند برای تحقق زندگی اخلاقی از نظر برخی ارتباط با خداوند ضروری است. (لویانس، نقل از عباسی، ۱۴۰۳، ۱۲۷) قرن بیستم نیز تاملات در حوزه ارزش های اخلاقی در زمره دغدغه های مهم متفکران قرار داشته است و در قرن بیستم با شکل گیری فلسفه های مضاف، فلسفه اخلاق نیز سطح گسترده ای از پژوهش های فلسفی را به خود اختصاص می دهد و در این رابطه آثار زیادی وجود دارد که علاقمندان به راحتی می توانند بدان دسترسی داشته باشند. مباحث درباره ارزش های اخلاقی در فلسفه اخلاق دامنه گسترده ای از موضوعات را در بر می گیرد که بیان تفصیلی آنها دغدغه پژوهش حاضر نیست. یکی از مباحث مهم در حوزه فلسفه اخلاق ناظر به بحث درباره شکاکیت اخلاقی است. شکاکیت اخلاقی همواره در کنار نظریه دیگری به نام نسبییت گروهی اخلاقی از جانب منتقدان بر ضد واقع گرایی اخلاقی (moral realism) و مدافعان همگانی بودن و عام بودن ارزش های اخلاقی مطرح است. (Snare, 194, 215) با گسترش تکنولوژی ارتباطات، روابط انسان ها به طرق مختلفی توسعه یافت

و اطلاعات افراد بشری درباره چگونگی ارزش های اخلاقی حاکم بر فرهنگ های مختلف نیز افزایش یافت و انسان ها از تفاوت ارزش های همدیگر مطلع گردیدند. در منابع جامعه شناختی به نمونه های زیادی از تنوع و تفاوت های فرهنگی (cultural diversity) از جمله اخلاقی اشاره می شود و از منظر جامعه شناختی مورد بررسی قرار می گیرد. به لحاظ تاریخی نمونه هایی مانند دفن زنان به همراه شوهرانشان بعد از مرگ، یا طعمه گرگ های بیان کردن والدین سالخورده، مورد توجه قرار می گیرد. اما در سایه تکنولوژی ارتباطات نمونه های متعددی را از نزدیک، و یا در قالب فیلم، تصویر و مانند آن را می توان مشاهده نمود. به عنوان مثال امروزه بدون تردید همگان اطلاع داریم که در کشور هند بخش اکثریت ساکنان آن بدن انسانی را که مرده است می سوزانند. نمونه های جدیدتر آن را می توان در مسائلی مانند سقط جنین، اتانازی (مرگ آسان) حقوق حیوانات و مانند آن دانست که امروزه در رشته خاصی به عنوان اخلاق حرفه ای مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. (Cohen, 11, 2005, p. Adrew and Christopher) به عبارت دیگر جوامعی را به آسانی مشاهده می کنیم که صرف نظر از جنبه قانونی یا حقوقی، از نظر اخلاقی تلقی های متفاوتی نسبت به پدیده های یاده شده اتخاذ می نمایند. همچنین نمونه هایی که در مورد زندگی اسکیموها نقل می شود بخصوص در مورد نوزادان دختر بیانگر تنوع فرهنگی و اخلاقی است. در هر حال فهرست نمودن نمونه هایی از تنوع اخلاقی به اندازه ای گسترده است که خود مجال دیگری برای ذکر و بررسی نیازمند است. اما مساله ای که پژوهش حاضر بدان مبتنی است این است که آیا می توان از طریق تنوع فرهنگی به عنوان شواهد تجربی استدلالی به نفع شکاکیت اخلاقی فراهم نمود؟ به عبارت دیگر آیا شواهد تجربی (empirical evidences) حاصل از گسترش تکنولوژی ارتباطات درباره تفاوت های اخلاقی جوامع مختلف می تواند دلیلی بر شکاکیت اخلاقی (ethical scepticism) و نفی امکان معرفت اخلاقی باشد. هدف پژوهش حاضر بررسی مساله یاد شده است و نویسنده تلاش می کند با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد انتقادی نشان دهد که هر گونه استدلال در استنتاج شکاکیت اخلاقی از شواهد تجربی حاصل از گسترش ارتباطات میان فرهنگی جوامع از نقص و ضعف منطقی رنج می برد. در زمینه مساله یاد شده در دوره های اخیر آثار متعددی را می توان معرفی نمود. مقاله "بررسی نقادانه خداپاوری شکاکانه برگمن و بن بست شکاکیت اخلاقی آن" تلاش می کند تا بن بست اخلاقی ناشی از مساله شر و شک حاصل از آن را بر خداشناسی مورد بررسی قرار می دهد. (کشفی، ۱۳۹۸، ص ۱) همچنین در مقاله نقدی بر ذهنیت ارزش های اخلاقی با تاکید بر نظریه مکی نویسنده دیدگاه مکی را مبنی بر نسبییت گرایی ارزش های اخلاقی را مورد بررسی قرار می دهد (مهدوی آزادبنی، ۱۳۸۴، ۱۴۱). همچنین برخی نویسندگان معرفت یقینی در قلمرو اخلاق را مورد دفاع قرار می دهند و در این رابطه با تکیه بر استدلال هایی امکان تحصیل معرفت یقینی درباره گزاره های اخلاقی را

نشان می دهند. (عبداللهی، ۱۴۰۳، ۱۳) در کنار این قبیل پژوهش ها که بر معرفت اخلاقی و امکان دستیابی آن تاکید می شود تحقیق های دیگر نیز وجود دارد که دین و اخلاق را دو مقوله متمایز در نظر می گیرند. (کاشانی، ۱۴۰۳، ۲۴)

تمایز پژوهش حاضر تاکید بر مفهوم شکاکیت ارزش های اخلاقی است. در این رابطه، پژوهش حاضر استدلال خواهد نمود که قرائن تجربی خدمتی به شکاکیت اخلاقی نمی کند و استدلال ها در این زمینه از نظر منطقی خالی از اشکال نیست. نوین بودن پژوهش حاضر ضمن تاکید بر ضعف منطقی استدلال مبتنی بر شواهد تجربی در دفاع از شکاکیت اخلاقی از نظر تقریر نیز قابل توجه است. با نظر به اهمیت نقش اخلاق در زندگی انسان در همه دوره ها و در دوره کنونی که دنیا را به صورت دهکده جهانی تبدیل نموده است و با نظر به به پیامد هایی که که شکاکیت اخلاقی می تواند به دنبال داشته باشد ضرورت نقد و بررسی آن قابل انکار نیست.

۲ - شکاکیت اخلاقی و واقع گرایی اخلاقی

از آنجا که نظریه شکاکیت اخلاقی نظریه ای است که نظریه های مهمی را در حوزه فلسفه اخلاق به چالش می کشد جا دارد مهمترین نظریه رقیب در این رابطه مورد بررسی قرار گیرد. شکاکیت اخلاقی تلاش می کند تا واقع گرایی اخلاقی را که خود مفهومی است در ارتباط با عینی گرایی ارزش های اخلاقی (ethical objectivism) مورد انکار قرار دهد. از نظر برخی، مهمترین چالش بر ضد واقع گرایی اخلاقی شکاکیت اخلاقی است. (brink,1984,111) واقع گرایی به طور کلی در هر حوزه ای اعم از اخلاق و یا حوزه های دیگر بر دو ایده تاکید می نماید: نخست اینکه واقعیاتی وجود دارند دوم اینکه واقعیات مذکور مستقل از قرائنی که ما در مورد آنها در اختیار داریم وجود دارند. (همان، ۱۷۱) نکته ای که جا دارد یادآوری شود این است که شکاکیت اخلاقی یک دیدگاه معرفت شناختی است و منطقاً با نظریه واقع گرایی اخلاقی ناسازگار نیست و قابل جمع است. در نتیجه برای اینکه کسی به عنوان مدافع نظریه شکاکیت اخلاقی باشد نیاز نیست منطقاً وجود عینی ارزش های اخلاقی را یعنی واقع گرایی اخلاقی را نفی نماید. کما اینکه از نگاه برخی، واقعیات عینی در حوزه اخلاق را می توان پذیرفت ولی به دلیل فقدان ابزار لازم برای دسترسی به واقعیات عینی اخلاقی از شکاکیت اخلاقی دفاع می نمایند. (mackie,2003, 561) اما با وجود این اغلب شکاکیت اخلاقی در خدمت نفی وجود عینی ارزش های اخلاقی بوده است. در هر حال قبل از بررسی مساله مورد پژوهش در تحقیق حاضر لازم است برخی از مهمترین تعاریف درباره واقع گرایی معرفتی که نظریه شکاکیت اخلاقی آن را به چالش می کشد مورد توجه قرار گیرد. در این رابطه قبل از هر چیز باید یاد آور شد که واقع گرایی اخلاقی، عینی گرایی اخلاقی و

شناخت گرایی اخلاقی به سادگی از یکدیگر قابل تفکیک نیستند. علی رغم اینکه از واقع گرایی اخلاقی در قالب تعبیر مختلف می توان تعریف ارائه داد تعریف زیر را می توان در درک و فهم واضح و روشن از آن مورد توجه قرار داد: واقع گرایی اخلاقی دیدگاهی است که بر اساس آن وجود واقعیاتی که بواسطه آنها افعال بشری درست یا خطا و خوب یا بد می شوند پذیرفته می شود. (dancy,1998,534) در واقع گرایی اخلاقی به عنوان یک نظریه سه جزء مهم است: نخست اینکه واقعیات اخلاقی وجود دارند. دوم اینکه این واقعیات، مستقل از باور ها یا اندیشه های ما هستند. سوم اینکه اگر چه وجود واقعیات اخلاقی به طور مستقل مورد تایید می شود اما امکان خطا درباره آنها وجود دارد. در این رابطه باید توجه داشت که مهم نیست چه اندازه ما در کاوش های اخلاقی خود دقیق یا صادق هستیم در هر حال امکان خطا درباره آنها منتفی نیست.

بعد از بیان تعریف واقع گرایی اخلاقی می توان شکاکیت اخلاقی را نیز تعریف نمود. قبل از هر چیز باید در نظر داشت که شکاکیت یا عام است و یا خاص. در شکاکیت عام امکان دسترسی به هر نوع معرفتی اعم از اخلاقی یا غیره مورد انکار قرار می گیرد. اما شکاکیت خاص تنها امکان دستیابی معرفت در حوزه خاصی را نفی می نماید و امکان معرفت به طور جزئی را می پذیرد. شکاکیت اخلاقی یکی از انواع این نوع شکاکیت است به نحوی که در حالی که امکان معرفت را به طور عام نفی نمی نماید و می پذیرد که در برخی حوزه می توان معرفت کسب نمود با وجود این در حوزه اخلاق بر ناتوانی در کسب معرفت تاکید می نماید. این نوع شکاکیت یکی از مجموعه دیدگاه هایی است که سنت فلسفی درباره اخلاق را به چالش می کشد. این نظریه نیز گرچه می توان تعاریف متعدد در قالب تعبیر متنوع از آن ارائه داد با وجود این تعریف زیر می تواند در نقد و بررسی این نظریه در پژوهش حاضر راهگشا باشد: شکاکیت اخلاقی دیدگاهی است که بیان می کند درباره ارزش های اخلاقی و درباره خوب و بد یا فاقد معرفت هستیم و یا اینکه در صورت امکان دسترسی معرفت درباره آنها چنان ناچیز هستند که در عمل راهگشا نیستند. (nelson,1998, 542) البته شکاکیت اخلاقی می تواند تقریر های متفاوتی بیابد. شکاکیت اخلاقی در شکل رادیکال، منکر وجود هر نوع معرفت اخلاقی است چرا که اساسا وجود هر حقیقتی قابل شناخت در اخلاق را نفی می نماید اما در عوض در تقریر دیگر شکاکیت اخلاقی ممکن است وجود حقایق اخلاقی را نفی ننماید بلکه بر ناتوانی انسان برای توجیه احکام اخلاقی تاکید نماید.

شکاکیت اخلاقی و عناصر اصلی تشکیل دهنده این نظریه بیان شد. قبل از بیان شواهد تجربی در دفاع از شکاکیت اخلاقی برای روشننگری بیشتر لازم به یاد آوری است که نظریه شکاکیت اخلاقی از نظریه دیگری که معمولا در کنار یک دیگر سنت فلسفی درباره ارزش های اخلاقی را به چالش می کشد یعنی نسبیت گروهی اخلاقی تمایز می یابد. نسبیت گروهی اخلاقی (moral relativism) به اقتضاء بحثی که در بخش بعد درباره

شواهد تجربی در دفاع از شکاکیت اخلاقی مطرح خواهد شد مورد تحلیل قرار خواهد گرفت و در این قسمت تنها به تعریف کلی از آن اکتفا می شود. این نظریه دیدگاهی است که وجود ارزش های اخلاقی از فرهنگی به فرهنگی دیگر متفاوت در نظر می گیرد. (taliaferro,1998,191) نکته ای که در مورد تعریف نسبیت گروهی اخلاقی باید در نظر داشت این است که این نظریه نیز به صورت عام و خاص قابل تعریف است در نتیجه تقریر های مختلفی می تواند داشته باشد. (آقابابایی، ۱۳۹۸، ۶۹)

۳ - شکاکیت اخلاقی و مساله توجیه و صدق

چنانچه در بخش قبل بیان شد شکاکیت به طور عام یک مفهوم در حوزه معرفت شناختی است و در این حوزه یکی از مهمترین تلاش های معرفت شناسان ارائه تعریف و چیهستی معرفت است. یکی از مهمترین تعاریف سنتی که از زمان افلاطون درباره چیهستی معرفت بیان شد و تا قرن بیستم در فرهنگ فلسفی غرب رایج بود (مهدوی آزادبنی، ۱۳۹۵،) تعریف افلاطون از شناخت است. از نظر او معرفت عبارت است از "باور صادق موجه". (Plato, Theaetetus, p.405) همانطور که آشکار است از عناصر محوری تشکیل دهنده معرفت، مفهوم "توجیه" (justification) و "صدق" (truth) است. حال، شکاکان اخلاقی در تلقی خود درباره اینکه چرا نمی توانیم درباره ارزش ها معرفت کسب نماییم دارای اختلاف نظر هستند و این اختلاف ها ناظر به همین تحلیل سنت فلسفی غرب درباره ماهیت معرفت است. شکاکان اخلاقی در تلقی خود درباره شکاکیت بر فقدان دو شرط فوق به عنوان عناصر محوری تشکیل دهنده معرفت تاکید می نمایند. با تکیه بر این مبنا، برخی از شکاکیت ها مبتنی بر فقدان توجیه کافی و شرط صدق برای احکام اخلاقی است. (nelson,1998,543) اگر چه تا قرن بیستم تعریف مذکور درباره ماهیت شناخت در سنت فلسفی غرب متداول بود اما با نقد ادموند جی تیر (Gettier,1963,121) به تعریف مذکور شاهد نقادی های فراوان به تعریف افلاطونی درباره شناخت هستیم و این امر سبب ظهور نظریه های رقیب و بدیل درباره چیهستی معرفت یا از طریق بازنگری در مفهوم صدق و توجیه یا ارائه تعاریف دیگر و نظریه های دیگر گردید. تنوع نظریه و اختلاف آراء در این رابطه انگیزه ای شد تا رویکرد های بدبینانه ای مطرح گردد. از این منظر، شکاکیت اخلاقی در قرن بیستم متأثر از چالش هایی است که درباره دو شرط مهم صدق و توجیه به عنوان عناصر تشکیل دهنده شناخت در سنت فلسفی غرب پدید آمد. در هر صورت شکاکیت اخلاقی یک دیدگاه فرا اخلاقی است که درباره اخلاق شک را مطرح می سازد. روشن است که انواع شک ها انواعی از شکاکیت اخلاقی را سبب می شود (Audi, 2002,589) و نوع اولیه آن شکاکیت معرفتی شناختی است که ناظر به دو مفهوم صدق یا توجیه است.

همانگونه که در بخش قبل بیان شد شکاکیت اخلاقی منکر امکان معرفت در باره ارزش‌های اخلاقی است به عبارت دیگر این نظریه درباره ارزش احکام اخلاقی حکمی صادر نمی‌نماید و تعلیق حکم می‌کند (Taliaferro, 1998, 191) و با توجه به پیامد این نظریه در تقلیل جایگاه اخلاق در زندگی انسان بررسی دقیق شواهد و دلایل مدافعان شکاکیت اخلاقی امری ضروری است. مدافعان نظریه شکاکیت اخلاقی در تبیین و دفاع از نظریه خود ممکن است به دلایل مختلفی تمسک نمایند اما در این میان تمسک به شواهد تجربی یکی از مهمترین شیوه‌هایی است که بدان تمسک می‌شود. (Snare, 1984, 215) مراد از شواهد تجربی این است که گروهی از اخلاق پژوهان با تکیه بر برخی مستندات مبتنی بر مشاهده که در ظاهر حکایت از تفاوت‌های جوامع مختلف از جمله تفاوت در حوزه ارزش‌های اخلاقی دارد بر شکاکیت اخلاقی استدلال می‌نمایند و از تفاوت‌های ارزشی موجود میان جوامع و فرهنگ‌های مختلف در مکان و زمان متفاوت شکاکیت اخلاقی را استنباط می‌نمایند. در واقع محور اساسی در نظریه شکاکیت اخلاقی تاکید و تمسک بر شواهد تجربی و تفاوت و آنها در فرهنگ‌های متخلف می‌شود و نسبیت فرهنگی در این نظریه امری پذیرفته شده با تکیه بر مشاهدات است. مطابق نسبیت فرهنگی، اصول و رسوم فرهنگی جوامع، از جمله ارزش‌های اخلاقی آنها متفاوت است. این بدان معنا است که اصل محوری شکاکیت اخلاقی، نسبیت گروهی توصیفی است. نسبیت گروهی توصیفی بیان می‌کند که مشاهدات ما درباره فرهنگ جوامع مختلف حکایت از تنوع و تفاوت‌های وسیعی در حوزه‌های مختلف از جمله درباره احکام اخلاقی دارد. این تلقی درباره فرهنگ جوامع ممکن است تا آن اندازه زیاده روی نماید و اساسا وجود هر گونه شباهت میان فرهنگ‌ها از نظر احکام اخلاقی را نفی نماید. (Wong, 1998, 539) با این توصیف اکنون می‌توان استدلال مبتنی بر شواهد تجربی را که مدافعان شکاکیت اخلاقی بیان می‌نمایند و در واقع یکی از مهمترین استدلال‌ها بر ضد واقع‌گرایی محسوب می‌گردد را تقریر نمود. به عبارت دیگر با تکیه بر نسبیت گروهی توصیفی یک استدلال شرطی در دفاع از شکاکیت اخلاقی و نفی وجود حقیقت عینی در اخلاق شکل می‌گیرد:

الف) اگر احکام اخلاقی بیانگر حقیقت عینی می‌بودند در این صورت در فرهنگ‌های مختلف باید شاهد کدهای اخلاقی مشترکی بود.

در فرهنگ‌های مختلف شاهد کدهای اخلاقی متفاوت هستیم. (نسبیت گروهی توصیفی)

نتیجه: احکام اخلاقی بیانگر حقیقت عینی نیستند.

آنچه در این استدلال مورد تمسک قرار می‌گیرد این است که اگر احکام اخلاقی بیان‌کننده واقعیات عینی می‌بودند نباید شاهد این اندازه از اختلاف‌ها میان فرهنگ‌های مختلف درباره ارزش‌های اخلاقی می‌بودیم. در

این استدلال وجود کد های اخلاقی متفاوت در فرهنگ های مختلف قرینه ای دال بر نفی حقیقت عینی در اخلاق است (Rachels, 2002, 369) و با فرض نفی حقیقت عینی در اخلاق، امکان معرفت نیز منتفی می گردد. برای اینکه بتوان این استدلال را در بخش بعدی پژوهش حاضر بدقت مورد بررسی قرار داد به نمونه هایی از شواهد تجربی حاکی از تفاوت های فرهنگی درباره احکام اخلاقی اشاره می شود. گرچه در دنیای امروز برای اکثر افراد به راحتی اطلاع یافتن به صورت تجربی از تفاوت های فرهنگی و اخلاقی امری دشوار نیست با وجود این برخی از این نمونه ها را که مربوط به انسان هایی که در دوران گذشته می زیستند برای بررسی بیشتر استدلال مبتنی بر شواهد تجربی که بوسیله شکاکان اخلاقی تمسک می گردد نقل می گردد. هرودوت در کتاب تاریخ خود بیان می کند که داریوش پادشاه ایران باستان در سفر های خود به تفاوت های فرهنگی و اخلاقی پی برده است. گفته می شود که روزی او از دو گروه از افراد متعلق به دو فرهنگ متفاوت که در دربار او حضور داشتند درخواستی را به طور جداگانه از هریک مطرح نموده است. اول از افرادی که متعلق به قبیله کاتالیان در هند بودند خواست که والدین میت خود را بجای خوردن بسوزانند. داریوش وعده داد بود در عوض هرچه آنها بخواهند به آنها خواهد داد. پاسخ افراد قبیله کاتالیان این بود که آنها هرگز به هیچ قیمتی راضی به دست کشیدن از اکل میت نخواهند بود. نوبت دیگر داریوش از افرادی که یونانی بودند خواسته بود که بدن والدین میت خود را بجای اینکه بسوزانند بخورند. داریوش به آنها نیز وعده داده بود در عوض هر چه که بخواهند به آنها خواهد داد. پاسخ یونانی های حاضر در دربار داریوش این بود که آنها هرگز به هیچ قیمتی راضی به اکل میت نخواهند شد. (نقل از Rachels, 2002, 370) با تکیه بر این ماجرای تاریخی می توان این دو گزاره را شکل داد:

- (۱) قبایل کاتالیان هند اکل میت را درست می دانستند و سوزندن آنها را نادرست می دانستند.
 - (۲) گروهی از یونانی های باستان سوزاندن میت را درست می دانستند و اکل میت را نادرست می دانستند.
- همچنین به این نمونه توجه نمایید. تا قبل از قرن بیستم از زندگی اسکیموها اطلاعات چندانی در اختیار همگان نبود و آنها نیز از دیگران اطلاعات چندانی در اختیار نداشتند. اما بعد از قرن بیستم درباره زندگی آنها چیز های زیادی می دانیم. به عنوان نمونه قتل نوزاد هنگام تولد بخوص نوزاد دختر عملی نادرست محسوب نمی شد.

(۳) اسکیموها قتل نوزد را عملی درست می دانستند.

اگر چه این قبیل تفاوت ها در جوامع مختلف فراوان است بخصوص نظر به تاریخ فرهنگ مواردی از این نوع را نقل می نماید اما برای نسبیت گروهی توصیفی که در استدلال مبتنی بر شواهد تجربی شکاکان اخلاقی

مورد استفاده قرار می گیرد در حد اختصار کفایت می نماید. با به طور عینی نه درست است و تکیه بر این ماجرای تاریخی می توان استدلال مذکور (الف) را به صورت زیر نیز تقریر نمود:

ب) اکل میت نزد یونانی ها خطاست در حالی که اکل میت نزد قبیله کاتالیان هند درست است

نتیجه: اکل میت به طور عینی نه درست است و نه خطا

تامل در همه تقریر هایی که از طریق نسبیت گروه توصیفی با تکیه بر شواهد تجربی تلاش می نمایند واقعیت عینی اخلاق را نفی نموده و شکاکیت اخلاقی را استنباط نمایند چنین سیری به روشنی طی می شود و از طریق داده های تجربی درباره کد های اخلاقی جوامع مختلف بدیل متفاوت بودنشان تلاش می نمایند شکاکیت اخلاقی را نتیجه بگیرند.

۱ - ۴ منطق شکاکیت اخلاقی

استدلال مبتنی بر شواهد تجربی شکاکیت اخلاقی در بخش قبل بیان گردید. در این استدلال شکاکان اخلاقی تلاش می نمایند تا از تفاوت های فرهنگی در حوزه اخلاق، شکاکیت اخلاقی و نفی وجود عینی ارزش های اخلاقی را استنباط نمایند. به عبارت دیگر منطق بکار رفته در استدلال مذکور این است که :

ج) به این دلیل که چنین است در نتیجه باید چنان باشد.

بخش اول منطق یادشده ناظر به توصیف شرایط بیرونی است و از آنچه در اطراف ما در حال حاضر در حال رخ دادن است یا بوسیله دیگران در فرهنگ های دیگر در حال یا گذشته رخ می دهد و یا رخ داده است گزارش می نماید. پرسش اساسی درباره چنین منطقی این است که آیا عقلا می توان از گزارش شرایطی که رخ داد یا در حال رخ دادن است نتیجه عام و قطعی استنباط نمود؟ به عبارت دیگر حتی اگر فرض شود که بخش اول منطق شکاکان اخلاقی درست باشد (اینکه شرایط چنین است) آیا استنباطی که انجام می دهند می تواند درست باشد؟ فرض بر صحت مقدمه در استدلال شکاکان و به تعبیری فرض بر صحت تالی در تقریر شرطی استدلال شکاکان (الف) آیا نتیجه استدلال درست خواهد بود. قطعاً پاسخ آن منفی است و منطق بکار گرفته شده (ج) در الف یعنی قسمت مقدم استدلال شرطی منطق درستی نخواهد بود. برای روشن شدن نادرستی این منطق و سیری که شکاکان اخلاقی در قالب چنین استدلالی دچار می شوند بیان دو نمونه دیگر (خواه فرضی خواه واقعی) موثر است:

۴- در برخی جوامع (مثلاً جوامع قرون وسطایی) باور بر این بود که زمین مسطح است

۵- در برخی جوامع دیگر (جوامع مدرن) باور بر این است که زمین کره است.

آیا می توان از اختلاف دو جامعه در گزاره های ۴ و ۵ درباره زمین نتیجه گرفت که در جغرافیا حقایق عینی وجود ندارد و شکاکیت زمین شناختی را بپذیریم؟ اگر منطق استدلال مبتنی بر شواهد تجربی موجود در نظریه شکاکیت اخلاقی را بپذیریم اینجا نیز باید همان منطق را پذیرفت و نیز اگر در این مورد (گزاره های ۴ و ۵) چنین منطقی نادرست است در آنجا (گزاره های ۱ و ۲) نیز باید چنین باشد. اگر از درست بودن اکل میت نزد قبایل کاتالیان هند و نادرست بودن آن نزد قبایلی از یونانیان می تون کاکیت اخلاقی و نفی واقع گرایی احکام اخلاقی را نتیجه گرفت در نتیجه در مورد گزاره های ۴ و ۵ یعنی از مسطح بودن زمین نزد قرون وسطائیان و کروی بودن زمین نزد انسان های عصر حاضر باید نفی حقایق عینی درباره زمین در جغرافیا را استنباط نمود و حال آنکه قطعا کسی چنین منطقی را نمی پذیرد. چرا که آشکارا می دانیم که باور برخی افراد نسبت به زمین می تواند نادرست باشد. اگر زمین کروی است دلیلی وجود ندارد باور همه درباره آن باور درستی داشته باشند. در حوزه اخلاق نیز به همین نحو دلیلی وجود ندارد اگر حقایق عینی اخلاقی وجود دارد پس لزوما همه انسان ها درباره آن باور درستی داشته باشند.

در نتیجه ضعف منطق استدلال مبتنی بر شواهد تجربی در دفاع از شکاکیت اخلاقی آشکار می گردد و از شواهد تجربی صرفا نمی توان شکاکیت اخلاقی را استنباط نمود و مقایسه گزاره های ۴ و ۵ در آشکار شدن این ضعف و کاستی در مورد گزاره های ۱ و ۲ نقش موثری دارد. در این رابطه، مقایسه دیگری ن میان دو نمونه از احکام در ریاضیات یز می تواند در آشکار شدن نادرستی منطق شکاکیت مبتنی بر شواهد تجربی آنقش مهمی داشته باشد. فرگه منتقدان در پاسخ به منتقدان روابط عینی در منطق یک جامعه فرضی را مثال می زند: (نقل از: Taliaferro, 1998, 194)

۶ - فرض کنید جامعه ای وجود دارد که مطابق باور آنها $2+2=5$ خواهد بود

آیا وجود چنین جامعه ای می تواند باور افراد جامعه ما را به اینکه حاصل جمع دو در خودش چهار می شود را تضعیف نماید؟

به عبارت دقیق تر آیا اختلاف باور ما در باره حاصل جمع عدد دو بر خودش با جامعه فرضی می تواند منطقا عینیت ریاضیات و روابط منطقی را از بین ببرد؟

البته حاصل جمع دو بر خودش می تواند عددی غیر از چهار باشد به شرطی که از عدد دو معنای دیگری غیر از آنچه که در ریاضیات برداشت می شود تفسیر کنیم و به عبارت دیگر عدد ۲ نماد و نشانه برای چیز متفاوت نسبت به آنچه اکنون است باشد.

آیا می توان از اختلاف در باور دو نمونه از جامعه درباره حاصل جمع عدد دو برخوردش مادامی عدد دو نمود برای حقیقت مشترکی باشد به نفی عینیت حقایق ریاضی منتهی شد؟ پاسخ مثبت به این پرسش ما را به چیزی جز گزارف منتهی نمی سازد و به همین نحو پاسخ مثبت به مساله محوری پژوهش که آیا می توان از شواهد تجربی (از گزاره های ۱ تا ۳) به شکاکیت اخلاقی منتهی شد ما را به چیزی جز نقطه ای گزارف منتهی نخواهد نمود. حاصل مقایسه گزاره های ۴ تا ۶ این است که اساسا تفاوت های گسترده میان جوامع (به عنوان نمونه گزاره های ۱ تا ۳) هیچ ارتباط منطقی با عینیت احکام اخلاقی ندارد و نمی تواند تاثیری بر وجود عینی آنها داشته باشد.

۵ - نتیجه گیری

نتیجه محوری حاصل از پژوهش انجام شده این است که شواهد تجربی منطقا قادر نیست به شکاکیت اخلاقی منجر شود. یکی از مهمترین چالش های که منطق استدلال مبتنی بر شواهد تجربی در دفاع از شکاکیت اخلاقی از آن رنج می برد این است که با فرض صحت آنچه در مورد تنوع فرهنگ های جوامع دیگر گزارش شده است، شکاکیت اخلاقی نمی تواند نتیجه منطقی آن باشد به همان نحو که از اختلاف باور جوامع و گروه های مختلف درباره شکل زمین (به عنوان مثال) نمی توان نفی حقایق عینی درباره زمین را استنباط نمود.

منابع لاتین

- Audi, Robert, 1999, *The Cambridge Dictionary of Philosophy*, Cambridge university press.
- Dancy, Jonathan, 1998, *Moral Realism*, in *Rutledge Encyclopedia of Philosophy*, by Edward Craig, London and New York, pp 534-539.
- Gettier, Edmund. (1963). Is Justified True Belief Knowledge? *Analysis*, 23:121-23
- Hume, David, 1739, *A Treatise of Human Nature*, Oxford Clarendon Press.
- Kant, Immanuel, 2002, *Groundwork for the Metaphysics of Morals*, Edited and translated by Allen W. Wood, Yale University Press
- Mackie, J.L., 2003, *philosophy in 21 the century*, ed by Steven M. Cahn, Oxford University Press, pp 561-568.
- Mahdavi Azadboni, Ramezan, 2021, A Critic to Darwinian Theory on Resources Scarcity on the Basis of Quranic Verses, in *International Journal of Multicultural and Multireligious Understanding*, pp 18- 25
- Nelson, Mark. T, *Moral Scepticism*, 1998, in *Rutledge Encyclopedia of Philosophy*, by Edward Craig, London and New York, pp 542-548
- Plato, 1928, *Theaetetus, in the work of Plato*, ed by Irwin Edman, Random House: the Modern Library.
- Provine, William, 1988, *Evolution and the Foundation of Ethics*; MBL, Science3,

Rachels, James, 2002, *Morality is not Relative*, in *Philosophy: The Quest Truth*, fifth edition, by Louis Pojman, Oxford University Press, p:369
 Snare, Francis, 1984, *The Empirical Bases of Moral Scepticism*, *American Philosophical Quarterly*, Vol:21, July, pp 215-224
 Wong, David, 1998, *Moral Relativism*, in *Rutledge Encyclopedia of Philosophy*, by Edward Craig, London and New York. pp 539-542

منابع فارسی

سحابی، یدالله، *خلقت انسان*، چاپ سیزده ام، ۱۳۷۵، شرکت سهامی انتشار
 کشفی، عبدالرسول، و امیر عباس علیزمانی، ۱۳۹۸، بررسی نقادانه خداباوری شکاکانه برگمن و بن بست شکاکیت اخلاقی آن، *مجله جستار های فلسفه دین*، شماره اول بهار و تابستان، صص ۱-۲۳
 عباسی، محمود، اصغری، محمد، ۱۴۰۳، جایگاه خداوند در زندگی اخلاقی از دیدگاه لویناس، *مجله کاوش های فلسفه و دین*، دوره ۳، شماره ۱، صفحات ۱۱۹-۱۴۲

https://jre.journals.umz.ac.ir/article_5245_735eca192377e7f7a9b204ab16ba8efd.pdf

عبداللہی محمد سعید، جوادی، محسن، لگنهازن، محمد، ۱۴۰۳، «یقین اخلاقی»؛ یک مفهوم، چند دیدگاه (ارزیابی دو رویکرد نسبی و مطلق در باب «یقین اخلاقی» با تکیه بر در باب یقین ویتگنشتاین، *مجله پژوهش های فلسفی*، دوره ۱۸، شماره ۴۶، صص ۲۹-۱۳

https://philosophy.tabrizu.ac.ir/article_17182.html

کاشانی، وحید، ۱۴۰۳، رویکرد انتقادی به مناسبات دین و اخلاق از منظر حلمی ضیا اولکن، *مجله دین پژوهی و کار آمدی*، دوره ۴، شماره ۱، صص: ۲۵-۴۰

https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_18359_fc8998e39f99fb8fbc7da1563fb4c9cd.pdf

مهدوی آزادبنی، رمضان، ۱۳۸۴، نقدی بر ذهنیت ارزش های اخلاقی با تاکید بر نظریه مکی، *اندیشه نوین دینی*، سال اول، شماره ۳، صص ۱۵۷-۱۴۱

مهدوی آزادبنی، رمضان، ۱۳۹۰، *کمبود منابع زیستی*، قیسات سال شانزدهم بهار، شماره ۵۹، صص ۸۷-۱۰۱

مهدوی آزادبنی، رمضان، ۱۴۰۲، استقلال معرفت شناختی و وابستگی هستی شناختی اخلاق نسبت به دین، *مجله پژوهش های فلسفی*، دوره ۱۷، شماره ۴۴

<https://doi.org/10.22034/jpiut.2023.55053.3461>